

# دائرة المعارف نویسی در اسلام

## و تهانوی

همت گمارند تا طالبان دانش و ادب بهسولت بتوانند از خرم ادب و دانش کسب فیض کنند یا خوشه چینی کنند و مشکلات خویش را با چنین رهنمون‌هایی آسان سازند بهمین سبب می بینیم که از اواخر قرن اول هجری عالمان لغت و صرف و نحو در میان همه ملت‌های اسلامی پدید آمدند و بتدوین کتب نفیسی در این فن همت گماشتند همچون: ابو عمر و بن علاء (۶۸ - ۱۵۴هـ) که در لغت و صرف و نحو دست داشت و از قراء سبعة بشمار می رفت.

دانشمندان دیگری نیز در دانش‌های لغت و صرف و نحو پدید آمدند که برای نمونه به یاد کردن نام برخی از آنان تا قرن پنجم هجری اشاره می کنیم:

المث (۹۴ - ۱۷۵هـ) لغت دان و نحوی .  
ابو عمر و شیبانی کوفی (۹۶ - ۲۰۶هـ) لغت دان معروف .

فقعی (۹۸ - ۱۶۹هـ) شاعر و راوی لغت .  
خلیل بن احمد فراهیدی (۱۰۰ - ۱۷۴هـ) صاحب کتاب العین و مبدع دانش عروض .

ابو عبیده (۱۱۰ - ۲۰۹هـ) لغت دان نامدار .  
کسانی (۱۱۲ - ۱۸۹هـ) از لغت و نحو .  
مؤرج بصری (۱۱۳ - ۱۹۵هـ) لغت دان و شاعر .

ابوزید بصری (۱۱۹ - ۲۱۵هـ) عالم معروف لغت .

پدید آمدن اسلام موجب جنبش علمی و ادبی عظیمی در سرتاسر کشورهای پهناور اسلامی گردید از این رو که تشویق مردم به کسب دانش از شعارهای مسلمانان بشمار می رفت و چون کتاب آسمانی آنان به زبان عرب بود دانشمندان ناگزیر گشتند که در دانش‌های مربوط به آن زبان همچون: لغت و صرف و نحو و اشتقاق و معانی و بیان و بدیع و عروض و قافیه و قرص الشعر و دیگر فنون ادبی به ابداع و تحقیق پردازند و بموازات آن به دانش‌های دینی مانند: تجوید و رجال و حدیث و فقه و اصول و تفسیر و کلام و جز اینها درنگرند و در عصر مأمون که دانشها و فلسفه یونان به تازگی ترجمه شد و با دانش‌های ایرانیان و هندیان و دیگر اقوام مورد تحقیق قرار گرفت، دیری نگذشت که دانشمندان در فلسفه و طب و هیئت و احکام نجوم و ریاضیات و طبیعیات و بویژه فلسفه ماوراء طبیعت و خلاصه همه دانش‌های متداول در آن روزگار پدید آمدند و معارف یا فرهنگ جامع و وسیع اسلامی را بنیان نهادند . در پایه گذاری این فرهنگ عظیم بجز اقوام عرب ملت‌هایی چون : ایرانیان و مردم آسیای صغیر و مصریان و مغربیان و هندیان و اندلسیان نیز نبوغ خویش را آشکار ساختند و یادگارهای گرانبه‌ای بر میراث‌های ملی خویش افزودند .

بر حسب عادت در جامعه‌هایی که فرهنگ و دانش شکوفان می شود، احتیاج ایجاب می کند که به تدوین لغتنامه‌ها یا (فرهنگها) و کتابهای لغت دستگامی یا اصطلاحات علوم و دایرة المعارفها



**ابوبکر خوارزمی** (۳۱۶ - ۳۸۳ هـ) ادیب و صاحب کتاب رسایل معروف .

**صاحب بن عباد** (۳۲۶ - ۳۸۵ هـ) دانشمند نامدار و مؤلف المحيط در لغت .

**ابن فارس رازی** (۳۲۹ - ۳۹۰ هـ) لغت دان صاحب نظر و معروف .

**جوهری فارابی** (۳۲۲ - ۳۹۳ هـ) صاحب کتاب معروف صحاح .

**ابن جنی** (۳۳۰ - ۳۹۲ هـ) صاحب کتاب گرانقدر الخصایص و تألیفات مهم دیگر در لغت و صرف و نحو .

**ثعالبی نیشابوری** (۳۵۰ - ۴۲۹ هـ) مؤلف فقه الفه و تألیفات با ارزش دیگر .

و صد هفت دان نامور دیگر همچون **فیروز آبادی** و **میدانی** و جز آنان که در قرنهای بعد پدید آمده اند .

در میان این گروه برخی را می توان بنیاد گذار لغت عمومی شمرد همچون خلیل بن احمد و برخی را از پایه گذاران لغت دستگامی دانست مانند ابن سکیت و ثعالبی نیشابوری و دیگران که درباره لغات خاصی همچون نامهای اسبان و گیاهان و جانوران و دیگر موضوعها و اصطلاحهای لغت تألیفاتی دارند و بحث در آن به اطناب می گراید . و اینک سزا است که به ایجاز درباره تفاوت لغت و اصطلاح گفتگو کنیم : لغت که به گفته برخی مأخوذ از (لوغوس) یونانی به معنی کلمه است، بر کلمههایی اطلاق می شود که در میان همه تکلم کنندگان یک قوم متداول می باشد و اصطلاح را بر عرف خاص اطلاق کنند؛ یعنی اتفاق گروه مخصوصی از مردم بر وضع یا استعمال کلمه ای، که بگفته جرجانی «کلمه ای را پس از نقل آن از موضوع نخستین بسبب مناسبتی همچون عموم و خصوص یا مشارکت آن در امری و یا مشابهت آن در وصفی یا جزاینها متداول کنند» . چنانکه کلمه «سفت» را از معنی لغوی بسبب مشابهت در معنی به اصطلاح نحوی نقل کرده اند، و هزاران اصطلاحات دیگر در دانشهای گوناگون. گاهی مبتکر یا مخترعی خود نامی بر ابتکار یا اختراع خویش می نهد و آن نام در میان اهل فن متداول می شود .

نکته قابل توجه این است که چون لغت و اصطلاح از پدیدارهای موجود زنده می باشد، خواهی نخواهی دستخوش تحول و تغییر می گردد و به همین سبب تعیین مرز پایداری میان لغت و اصطلاح دشوار می باشد، زیرا پیوند متقابل لغت و اصطلاح بر حسب

**سیبویه فارسی** (۱۲۱ - ۱۶۱ هـ) نحوی و لغت دان معروف .

**اصمعی** (۱۲۳ - ۲۱۶ هـ) لغت دان نامور .

**خلف احمر فرغانی** (۱۲۵ - ۲۰۴ هـ) معلم اصمی و عالم علم لغت .

**ابن کلبی کوفی** (۱۲۵ - ۲۰۴ هـ) صاحب کتاب جمهره در نسب شناسی .

**لحیانی** (۱۳۶ - ۲۱۵ هـ) صاحب کتاب نوادر و عالم لغت .

**مفضل ضبی** (۱۳۵ - ۲۲۰ هـ) ادیب و لغت دان .

**فراء کوفی** (۱۴۴ - ۲۰۷ هـ) لغت دان و نحوی معروف .

**ابن اعرابی** (۱۵۰ - ۲۳۱ هـ) لغت دان و راوی اشعار قبایل .

**ابن شمیل بصری** (۱۵۰ - ۲۰۳ هـ) عالم لغت و از یاران خلیل و صاحب کتاب الصفات .

**ابوعبید رومی** (۱۵۴ - ۲۲۴ هـ) لغت دان نامور .

**سلمه** (۱۶۲ - ۲۴۰ هـ) نحوی و لغت دان .

**ابن سکیت** (۱۸۶ - ۲۴۴ هـ) دانشمند لغت و صرف و نحو و مؤلف کتاب الالفاظ .

**ابوتراب نخشی خراسانی** (۱۸۹ - ۲۴۵ هـ) صاحب کتاب العین مستدرک بر کتاب العین خلیل .

**ثعلب کوفی** (۲۰۰ - ۲۹۱ هـ) عالم نحو و لغت، مؤلف کتاب فصیح و جزآن .

**مبرد** (۲۱۰ - ۲۸۵ هـ) ادیب و لغت دان نامدار .

**ابن قتیبه دینوری** (۲۱۳ - ۲۷۰ هـ) مؤلف کتاب گرانقدرداد الکاتب و جزآن .

**ابن درید بصری** (۲۲۳ - ۳۲۱ هـ) صاحب کتاب جمهره و جزآن .

**زجاج** (۲۳۰ - ۳۱۱ هـ) عالم معروف در لغت و نحو

**ازهری هروی** (۲۸۲ - ۳۷۰ هـ) ادیب و لغت دان و صاحب کتاب التهذیب (ده جلد) در لغت .

**سیرافی** (۲۸۴ - ۳۶۸ هـ) عالم نحو و لغت و شارح الکتاب سیبویه .

**ابن خالویه همدانی** (۳۱۵ - ۳۷۰ هـ) نحوی و لغت دان .



عاملهای اجتماعی بحدی است که گاه لغت اصطلاح و گاه اصطلاح لغت می شود، چنانکه در مثل کلمه «نماز» در لغت به معنی بندگی است سپس در اصطلاح شرع بر اعمال خاصی که بارکوع و سجود و تشهد و جزاینها همراه است اطلاق شد و باز پس از تعمیم مذهب در میان همه مردم همین کلمه در شمار لغت درآمد و بنا بر این عامل زمان و تحولات اجتماعی در مفاهیم لغت و اصطلاح تأثیر می بخشد و هر چه تمدن و فرهنگ ملتی بیشتر توسعه و تعمیم یابد اصطلاحهای خاص رفته رفته در شمار لغات عمومی داخل می شوند چنانکه امروزه بر اثر ارتقای سطح فکر مردم بسبب گسترش دانش، بسیاری از اصطلاحهای پزشکی و داروسازی و دیگر دانشها رفته رفته از صورت اصطلاح خاص بیرون آمده و جزو لغت ها شده اند مانند : میکرب - تجزیه - سلول - گلیول و صدها کلمه دیگر در همه رشته های علمی و فنی.

باری از اوایل قرن چهارم بمسوازمات تحقیقات عالمان لغت ، دانشمندی به تدوین دایرة المعارفها و مجموعه های حاوی اصطلاحات دانشها و فنون پرداختند و آثاری زیر عناوین : **انموذج العلوم و جامع العلوم** و جز اینها بیادگار گذاشتند چنانکه ابونصر محمد بن طرخان فارابی ملقب به معلم ثانی (متوفی بسال ۳۲۹ هـ) کتاب **کرا نفدر احساء العلوم** را تألیف کرد که به چندین زبان اروپائی ترجمه شده است . رسایل اخوان الصفا نیز در اواسط قرن چهارم تألیف شده که در نوع خود دایرة المعارفی سودمند است. دیگر عالمانی که به تدوین این گونه کتابها همت گماشته اند عبارت اند از : **علی بن عباس مجوسی** (متوفی بسال ۳۸۴ هـ) مؤلف دایرة المعارف طبی، بترتیب الفبایی.

**ابو عبدالله محمد بن احمد خوارزمی** (متوفی بسال ۳۸۷ هـ) مؤلف کتاب **سودمند** (مفاتیح العلوم).

**ابو حیان توحیدی** (متوفی بسال ۴۰۰ هـ) مؤلف : (مقالات) .

**ابو علی احمد بن محمد بن مسکویه** (متوفی بسال ۴۲۱ هـ) مؤلف (اقسام الحکمة) .

**ابو علی حسین بن عبدالله بن سینا** (متوفی بسال ۴۲۷ هـ) مؤلف رساله ای در ماهیت علوم که ممکن است همان کتاب (اقسام الحکمة) وی باشد

**ابو بکر بن حیر بلوی** (متوفی بسال ۵۵۹ هـ) مؤلف (انموذج العلوم) درباره ۲۴ دانش.

**نشان بن سعید حمیری** (متوفی بسال ۷۵۷ هـ) مؤلف (شمس العلوم ...) در ۱۸ جلد مشتمل بر اصطلاحات علوم به ترتیب الفبایی .

**ابن جوزی** (متوفی بسال ۵۹۷ هـ) مؤلف (المدھش) در باره پنج دانش.

**فخر رازی** (متوفی بسال ۶۰۶ هـ) صاحب (حقایق الانوار) بررسی درباره ۶۰ دانش و (جامع العلوم) بفارسی درباره ۴۰ دانش .

**سکاکی** (متوفی بسال ۶۲۶ هـ) مؤلف **مفتاح العلوم** .  
**خواصه نصیر طوسی** (متوفی بسال ۶۷۲ هـ) مؤلف (اقسام الحکمة) .

**نجم الدین حرانی** (متوفی بسال ۶۹۵ هـ) مؤلف (جامع العلوم) و (سلوة المحزون) .

**محمد بن محمود آملی** (متوفی بسال ۷۵۳ هـ) مؤلف **نفایس الفنون** بفارسی در باره ۱۲۰ دانش.

**شمس الدین محمد انصاری** (متوفی بسال ۷۹۴ هـ) مؤلف (ارشاد القاصد الی اسنی المقاصد) مشتمل بر ۶۰ دانش .

**شرف الدین اسماعیل مقری** (متوفی بسال ۸۳۷ هـ) مؤلف (عنوان الشرف) در فقه و نحو و تاریخ و عروض .

**سعید میر شریف جرجانی** (متوفی بسال ۸۰۶ هـ) مؤلف (تعریفات) .

**محمد شاه فزاری** (متوفی بسال ۸۳۰ هـ) مؤلف (انموذج العلوم الاسلامیة و اللغویة) .

**جلال الدین دوانی** (متوفی بسال ۹۰۷ هـ) مؤلف (انموذج العلوم) .

**جلال الدین سیوطی** (متوفی بسال ۹۱۱ هـ) مؤلف (النقایة) درباره ۱۴ دانش .

**احمد بن مصطفی طاش کبری زاده** (متوفی بسال ۹۶۲ هـ) مؤلف (مفتاح السعادة و مصباح السیادة) درباره ۷ دانش و فرزند وی محمد آنرا بترکی ترجمه کرده و مطالبی بر آن افزوده است که به ۵۰ دانش رسیده است .

**افضل الدین محمد ترکه** (متوفی بسال ۹۹۰ هـ) مؤلف (انموذج العلوم) .

**احمد بن عبد الحق سنباطی** (متوفی بسال ۹۹۰ هـ) صاحب (روضة الفهوم فی نظم نفاية العلوم) . از سیوطی که وی بخش فقه و معانی و بیان و بدیع آن را بنظم آورده است .



محمد بن علی سپاهی زاده بروسی (متوفی سال ۹۹۷ هـ)  
مؤلف (انموذج الفنون) در تفسیر و حدیث و کلام و اصول فقه و  
بیان طب و نجوم .

عبدالکاظم گیلانی مؤلف (الاثنی عشریه) که آن را در  
تاریخ (۱۰۱۵ هـ) تألیف کرده است .

قاضی نورالله شوشتری (متوفی سال ۱۰۱۹ هـ) مؤلف  
(انموذج العلوم) .

ابراهیم همدانی متوفی سال (۱۰۲۵ هـ) .

محمد امین استرآبادی (متوفی سال ۱۰۳۶ هـ) مؤلف  
(دانشنامه شاهی) .

محمد امین بن صدر شیروانی معروف به ملازاده (متوفی  
سال ۱۰۳۶ هـ) مؤلف (الفوائد الخاقانیه الاحمد خانیه) بفارسی  
در باره ۵۳ دانش، ده دانش از علوم شرعی و ۱۲ دانش از علوم ادب  
ولفت و ۳۰ دانش از فلسفه .

حاجی خلیفه مصطفی بن عبدالله (متوفی سال  
۱۰۶۷ هـ) مؤلف (کشف الظنون) در باره نامهای کتب و فنون .

ابوالبقاء کفوی قرمی حسینی (متوفی سال ۱۰۵۹ هـ)  
مؤلف (کلیات العلوم) معروف به کلیات ابی البقاء بشیوه تعریفات  
جرجانی و لسان الخواص و جز آنها .

آقارضا قزوینی (متوفی سال ۱۰۶۹ هـ) مؤلف (لسان  
الخواص) بشیوه تعریفات جرجانی و کشف اصطلاحات الفنون که  
اروپاییان آنرا : TECHNICAL TERMS می نامند .

احمد رشیدی مغربی (متوفی سال ۱۰۹۶ هـ) مؤلف (تیجان  
العنوان) که ارجوزه ایست . در تصوف و منطق و نحو و اصول .

محمد بن حسن شیروانی (متوفی سال ۱۰۹۹ هـ) مؤلف  
(انموذج العلوم) .

محمد باقر محمد تقی مجلسی (متوفی سال ۱۱۱۱ هـ)  
مؤلف (بحار الانوار) که بمنزله دایرة المعارفی برای علوم شرعی  
است .

قوام الدین محمد سیفی قزوینی (متوفی سال ۱۱۵۰ هـ)  
مؤلف ارجوزه هایی در اخلاق و اصول فقه و تجوید و حساب و  
خط و صرف و نحو و طب و فقه .

ساجلقی زاده مرعشی (متوفی سال ۱۱۵۰ هـ) مؤلف ترتیب  
العلوم در تعاریف فنون و تهانوی مؤلف کشف اصطلاحات الفنون

بشیوه لسان الخواص که اینک درباره وی و تألیف گرانقدر او  
به بحث بیشتری می پردازیم :

در الذریعه نام مؤلف تهانوی وسال در گذشت وی ۱۱۵۸

آمده . این تاریخ سال فراغت مؤلف از کتاب کشف اصطلاحات

الفنون نیز می باشد چنانکه خود تهانوی در آغاز کتاب مینویسد :

و چون فراغ از تسوید آن بسال ۱۱۵۸ دست داد، آن را موسوم

و ملقب به کشف اصطلاحات الفنون کردم و بر دو فن مرتب ساختم :

فنی در الفاظ عربی و فنی در الفاظ عجمی (فارسی) . نام و نسب

خویش را نیز در همان مقدمه بدینسان آورده است : «محمد اعلی بن

شیخ علی بن قاضی محمد حامد بن مولانا تقی العلماء

محمد صابر فاروقی سنی حنفی تهانوی .

دکتر لطفی عبدالحمید در مقدمه چاپ ناقص (یک جلدی

تاکلمه جنایه) که آن را بسال ۱۳۸۲ هـ در مصر منتشر ساخته

می نویسد : در باره شرح حال تهانوی بجز آنچه در کتاب

نزّهة الخواطر تألیف علامه عبدالحی حسنی آمده مأخذ دیگری

در دست نیست و بیشتر مطالب منقول از گفته های مصنف در مقدمه

کتاب کشف درباره خویش می باشد .

بروکلن در (ملحق ۲ ص ۶۲۸) تهانوی را یاد کرده و

تنها به یاد کردن نام وی و تاریخ تألیف کتاب کفایت کرده است

بی آنکه به مأخذی برای ترجمه احوال او اشاره کند . دکتر

لطفی سپس بنقل از نزّهة الخواطر می نویسد : تهانوی نسبت به

تهانیه در هند است که زادگاه مؤلف بوده است و فاروقی نسبت به

فاروق عمر بن خطاب است و دولت کوچک فاروقیان در خندیش

موضوع به او است که بدنبال در گذشت فیروز تغلق در او اخر قرن

هشتم هجری از دهلی جدا شد و استقلال یافت و تا اوایل قرن

۱۱ هجری فرمانروایی کرد .

قرن ۱۲ هجری که تهانوی در آن می زیست با دورانی

مصادف بود که امپراتوری مغل در هند روبه افول می رفت .

دکتر لطفی می نویسد :

فرهنگ و معارف اسلامی در هند مولود این دوران نیست

بلکه این فرهنگ از روزگار غزنویان، که به بنیان نهادن سازمانهای

علمی همت گماردند، ریشه گرفته است . غزنویان چنین سازمانهایی

بنام مدرسه پدید آوردند و مشهورترین آنها مدرسه ای است که سلطان

محمود در غزنه بنیان نهاد و طالبان دانش از همه نواحی آسیا



بدان روی می آوردند و در دربار محمود دانشمندان و اندیشمندان و ادیبانی همچون بیرونی و فردوسی پدید آمدند و کتابخانه‌ای که وی در جنب مدرسه بنیان نهاد از بزرگترین کتابخانه‌های جهان اسلامی بشمار می‌رفت. آنگاه دکتر لطفی به انتقال مرکز دانش از غزنه به لاهور و از آنجا به دلهی اشاره می‌کند و از جامعه‌های علمی متعدد در هند و فزونی مدارس در بیشتر شهرها و رشد یافتن و شکوفان شدن معارف اسلامی در آن سرزمین گفتگومی‌کند و این پیشرفت را معلول منتقل شدن دانشمندان ایران به پایتختهای ایالات هند پس از حمله تیمور بسال ۱۳۹۸ میلادی می‌داند چنانکه شهر جو نپور که به روزگار سلطان ابراهیم شاه ملقب به «شیراز هند» شده بود، در این دوران از مهمترین مراکز علمی بشمار می‌رفت، در این روزگار جنبش علمی اسلامی که در عصر مغل در هند پدید آمده بود همچنان رونق داشت و پادشاهان آن سرزمین به دانش و دانشمندان عنایت خاصی مبذول می‌داشتند و عالمان را گرامی می‌شمردند و مشمول عطایای فراوان قرار می‌دادند.

از کسانی که در روزگار اکبر شاه (۹۶۴-۱۰۱۴ هـ) بدان سرزمین مهاجرت کردند، می‌توان میر فتح‌الله شیرازی را نام برد که یکی از نابغه‌های عصر خویش در دانشهای عقلی و نقلی بود.

هر گاه بخواهیم از معارف و علوم اسلامی در این عصر گفتگو کنیم بیگمان باید اوزنگ زیب ملقب به عالمگیر (۹۶۹-۱۰۶۹ هـ مطابق ۱۶۵۸ تا ۱۱۱۹ هـ مطابق ۱۷۰۷ م) را یاد کنیم که به نشر اسلام و عقیده اهل سنت اهتمام بسیار داشت و بتن خویش بر اطلاب تدریس می‌کرد و از یادگارهای وی الفتاوی الهندیة است که از مشهورترین کتب مفصل در فروع فقه بر حسب مذهب حنفی است و معروف به فتاوی عالمگیری منسوب به خود وی می‌باشد. و شاید تهانوی قسمتی از دوران فرمانروایی این پادشاه را درک کرده باشد چه سال درگذشت عالمگیر ۱۱۱۹ هـ است و تهانوی چنانکه یاد کردیم کتاب کشف را در سال ۱۱۵۸ پیاپان برده است.

برخی از دانشمندان دیگری که در این عصر و کمی پیش از آن نبوغ خویش را آشکار ساخته‌اند عبارت‌اند از: علامه محمود جو نپوری مؤلف «الشمس البازغه» در طبیعیات و عقلیات.

## و مولانا عبدالرشید مؤلف: الرشیدیة در مناظره . و عالم ربانی شیخ احمد سرهنندی . و شیخ عبدالحق

محدث دهلوی صاحب تصانیف بسیار .

باری تهانوی در چنین عصری بسر برده و چنانکه از گفته خود وی در مقدمه کتاب کشف بدست می‌آید، وی در خاندان دانش و ادب پرورش یافته، علوم عربی و شرعی را نزد پدر خویش فرا گرفته و علوم عقلی و طبیعی را از کتابهای مختصری که در نزد وی موجود بوده از راه مطالعه کسب کرده و در اثنای مطالعه مصطلحات را اقتباس کرده که نتیجه آن تدوین کتاب کشف اصطلاحات الفنون است تألیفی که مشتمل است بر اصطلاحات علوم عربی مانند: صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و دیگر دانشهای زبان و اصطلاحات علوم شرعی همچون: کلام و اصول فقه و نیز بگفته خود مؤلف: مصطلحات علوم حقیقی چون منطق و حکمت و علم عدد و هندسه و طب .

تهانوی در آغاز کتاب به یاد کردن مقدمه‌ای درباره دانشهای مدون و مسائل متعلق به آنها پرداخته است که در حد خود جامع و سودمند می‌باشد. وی مواد کتاب را به بابها و فصلها تقسیم کرده، باب را به اعتبار حرف اول کلمه و فصل را به اعتبار حرف آخر آن در نظر گرفته است.

یکی از خصوصیتهای این کتاب این است که در برخی از فصلها و بابها مطالبی از متنهای فارسی می‌آورد که توان گفت تألیفی بر زبان عربی و فارسی است یعنی مؤلف هنگامی که درباره یکی از اصطلاحات علمی سخن می‌گوید یا از متنهای عربی نقل می‌کند، یکباره در همان موضوع بنقل از متن فارسی می‌پردازد که برای نمونه چند قسمت نقل می‌شود: **والبغا یطلقونه «ای التاریخ» علی اللفظ الدال بحساب الجمل بحسب حروفه - المكتوبة علی تعیین ذلك الیوم علی مافی مجمع - الصنایع حیث قال:** «تاریخ نزد بلغا عبارت است از آنکه از جهت حدوث واقعه لفظی یا مصراعی که بحسب حروف مکتوبه از روی حساب جمل موافق تاریخ سال هجری از آن باشد تاریخ آن کند و احسن آن است که کلام تاریخ مناسب باشد به آن واقعه، چنانچه ابراهیم خان فتح جنک در بنگاله مسجدی ساخت و شخصی تاریخش این مصراع نمود: «بنای کعبه ثانی نهاد ابراهیم» و درباره حشوبه این مطالب بر می‌خوریم:

صفحه که در آخر آن رساله شمسیه در قواعد منطلق تألیف نجم الدین قزوینی معروف به کاتبی نیز چاپ شده است. این نسخه را جمعیت آسیایی بنگال در ضمن سلسله انتشارات کتابخانه هندی بسال ۱۸۶۲ منتشر ساخته است و چند تن از دانشمندان هند آن را تصحیح کرده و به اهتمام الویس اسپرنگر و ولیام ناسولیس ایرلندی چاپ شده است .

۲ - چاپ اسلامبول که بسال ۱۳۱۷ هـ منتشر گشته و کامل نیست بلکه قسمتی از کتاب است که به فصل یاء از باب صادمنتهی می شود. این چاپ دارای ۹۵۵ صفحه بقطع وزیری است .

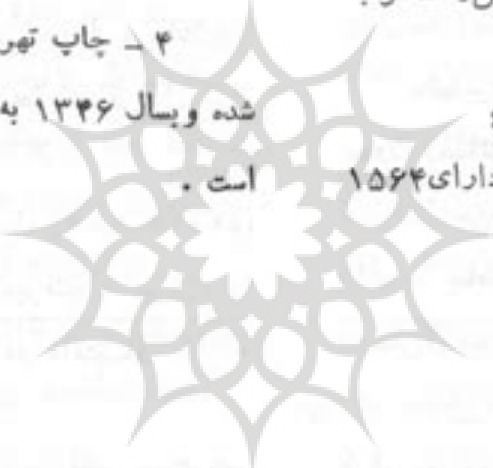
۳ - چاپ مصر بسال ۱۳۸۲ هـ از انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد ملی که فقط یک جلد آن در ۳۸۶ صفحه بقطع وزیری منتشر شده است .

۴ - چاپ تهران که در دو جلد از روی چاپ هند افست شده و بسال ۱۳۴۶ به همت کتابفروشی خیام و شرکاء انتشار یافته است .

والحشو الغير المفيد للمعنى كلفظ قبله في قول زهير (۱) بن ابي سلمى شعر . فاعلم علم اليوم والامس قبله ولكنني عن علمها في غد عمى . فقوله ( قبله ) صفة الامس بتقدير الكائن قبله و هو الوصف للتاكيد ، وهو حشو اذ لا فائدة في التاكيد فيه ، بخلاف ابصرته بعيني وسمعته باذني وضربته ببدي ، فانه يدفع التجوز بالابصار والسماع عن العلم بلاشبهة وبالضرب عن الامر به . فهذه انما تقال في مقام افتقر الى التاكيد ومثل هذا وقع في التنزيل نحو : فويل لهم مما كتبت ايديهم . و نحو : « يقولون بافواههم ما ليس في قلوبهم » . و نحو : « ما من ذا في الارض ولا طائر بجناحيه الا على الله رزقها . هذا كله خلاصة ما في المطول والاطول . و در مجمع الصنایع گوید : اعتراض الكلام قبل ان تمام راحشو تا عند و آن چنان بود که شاعر در بیتی به معنی آغاز کند و پیش از آنکه آن معنی تمام سازد سخنی در میان آورد که معنی مقصود بغیر او تمام شود آنگاه به تمام ساختن آن مشغول شود و این را سمر تبه است : حشو قبيح و .....

### چاپهای کشف اصلاحات الفنون:

۱ - چاپ هند در دو مجلد بزرگ بقطع رحلی دارای ۱۵۶۴ است .



در نگارش این مقاله از ماخذ ذیل استفاده شده است : مقدمه فقه اللغة تعالى نیشابوری . تعريفات جرجانی . مقدمه و متن کشف اصطلاحات الفنون . الذريعة حرف دال .

رساله جامع علوم اسلامی

۱ - زهر در متن غلط چاپی است .